

الان زمان اصلاح قانون کار نیست

ناصر جمینی، کارشناس حوزه کار



این روزها صحبت از اصلاح قانون کار بار دیگر شروع شده است. پس از اظهارات وزیر کار مبنی بر لزوم اصلا

این قانون، حال از مجلس هم خبر می‌رسد که تحر کاتی از سوی نمایندگان برای اصلاح و تغییر این قانون آغاز شده است. معتقدم در شرایط حاضر اقتصادی که با نوسان قیمت‌ها و تورم لحظه‌ای و افزایش هزینه‌ها روبه‌رو هستیم و کارگر در امرار معاش خود مانده و نمی‌تواند بیش از ۱۵ روز باحقوقی که می‌گیرد، زندگی کند یا کارگری با ۲۰ سال سابقه کار امنیت شغلی ندارد و هر لحظه نگران تعدیل و اخراجش است، صحبت کردن از اصلاح قانون کار تنها چیزی است که نباید اتفاق بیفتد.

به نظر من، اصلاح قانون کار زمانی می‌تواند عملیاتی شود که تمام مسائل و مشکلات را حل کنیم و در یک آرامش فکری به سر ببریم. وقتی در امنیت شغلی کارگران که در قانون کار دیده شده مانده‌ایم، چگونه می‌خواهیم ایرادات قانون کار را حل کنیم؟ یا مثلاً موضوع امنیت شغلی و ساماندهی قراردادهای کار در قانون کار دیده شده است ولی وقتی این ماده را اجرا نکرداه‌ایم چطور می‌خواهیم آن را اصلاح کنیم؟

همچنین معتقدم در بحث اصلاح قانون کار جامعه کارگری و کارفرمایی باید هر کدام ایرادات قانون را مطرح و نظرات خود را بیان کند و دولت به عنوان یک بی‌طرف به این قضیه ورود کند. به نظر من جامعه کارگری مخالف اصلاح قانون کار نیست بلکه اکنون زمان اصلاح نیست و موضوعات مهم‌تری مثل معیشت کارگر و دستمزد و امنیت شغلی او وجود دارد که باید به آنها پرداخته شود. با این وجود چنانچه عزمی برای اصلاح قانون کار وجود دارد باید هر دو گروه کارگری و کارفرمایی ایرادات و موارد موردنظر را مشخص کنند و به دور از مصلحت‌اندیشی و به شکل منطقی با حضور همه سازندگان اجتماعی بررسی کنند، چرا که هم به نفع تولید و هم معیشت و امنیت شغلی کارگران است.

در پایان باید گفت بخش اعظمی از مشکلات مادر حوزه روابط کار به دلیل عدم اجرای قانون است. با توجه به آنکه وزیر کار خود را فردی قانون‌گرا و ملزم به اجرای قانون می‌داند و در مجلس نیز اعلام کرد که قانون را اجرا می‌کند بنابراین برگزاری جلسات ماهانه شورای عالی کار اتفاق خوبی است که با درایت رقم خورده است ولی امیدواریم در این جلسات برای شنیدن مسائل و مشکلات کارگری وقت گذاشته شود و صرفاً تریبونی برای شنیدن مشکلات کارفرمایان، هزینه‌های بنگاه‌ها و مخالفت با افزایش دستمزد نباشد.

۲۸ هزار بازنشسته تهرانی وام قرض الحسنه گرفته‌اند

رئیس کانون بازنشستگان و مستمری‌بگیران تهران، در ارتباط با وام قرض الحسنه بازنشستگان، توضیحاتی ارائه داد.

علی دهقان کیا در گفت‌وگو با مهر اظهار کرد: مابقی بازنشستگان در ۶ ماهه دوم سال ۱۴۰۰ وام خود را دریافت می‌کنند.

وی گفت: امسال سهم بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران در ارتباط با دریافت وام قرض الحسنه، ۴۲ هزار نفر است. میزان وام ۷ میلیون تومان و بازپرداخت ۳ ساله خواهد بود. علاوه بر اینکه در ماه‌های آتی نیز با بازگشایی مجدد سایت کانون بازنشستگان، افراد واجد شرایط می‌توانند ثبت‌نام کنند.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا میزان وام دریافتی بازنشستگان در سال آینده افزایش خواهد یافت یا خیر، گفت: تلاش ما بر این اساس است که بتوانیم این رقم را به ۱۰ میلیون تومان افزایش دهیم. البته این موضوع بستگی به شرایط سازمان تأمین اجتماعی دارد.



تلاش نمایندگان مجلس برای تغییر ماده ۴۱ قانون کار

استثمار در روستاها قانونی می‌شود



نسرین هزاره مقدم

به نظر می‌رسد پروپاگندا و تبلیغات پر هزینه و طولانی یک موسسه خیریه بالاخره جواب داده و نمایندگان مجلس یازدهم حاضر شده‌اند، به آنچه آنها می‌خواهند، «چشم» گویند. طرحی که توسط برخی از نمایندگان مجلس امضا شده، در صورت تصویب، مزد توافقی را برای کارگران روستایی کشور، قانونی می‌کند و راهی می‌گشاید به سمت از میان برداشتن حداقل دستمزد.

طرحی که توسط ۳۸ نماینده مجلس امضا و در نوزدهم آبان ماه اعلام وصول شده، طرحی برای به کرسی نشاندن مزد توافقی در روستاها از طریق افزودن یک تبصره به ماده ۴۱ قانون کار (ماده تعیین حداقل دستمزد کارگری) است. در مقدمه یا همان دلایل توجیهی این طرح آمده است: «یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های کشور، معضل اشتغال در دو وجه بیکاری و مشاغل غیر رسمی است. مطابق آمار موجود، جمعیت بیکاران به‌طور پیوسته افزایش یافته است. به دلیل بیکاری گسترده، به ویژه در مناطق روستایی، نسبت روستاییان به جمعیت کشور طی ۳۰ سال گذشته از ۴۵ درصد به ۲۵ درصد کاهش یافته است. ۸۸ درصد روستاییان در مشاغل غیر رسمی که فاقد مزایای بیمه و بازنشستگی است،

مشغول به کارند. سازمان جهانی کار اظهار می‌دارد که قوانین باید به صورتی تنظیم شوند که در صد مشاغل غیر رسمی روبه کاهش باشد. طی ۸ سال گذشته، نسبت شاغلین غیر رسمی از ۴۵ درصد به ۶۰ درصد افزایش یافته است. هزینه‌های تولید در روستا بیشتر از شهر است چرا که هزینه‌های حمل و نقل مواد اولیه، فروش محصولات، تأمین و دسترسی به نیروی متخصص و کمبود امکانات در مناطق روستایی بالاتر است، به همین علت، سرمایه‌گذاری در روستا صرفه اقتصادی ندارد و به واسطه بیکاری ناشی از آن به عنوان عامل اصلی، موج مهاجرت و انحطاط روستاها و مناطق محروم فراهم آمده است. ماده ۴۱ قانون کار تأکید دارد میزان حداقل مزد کارگران برای نقاط مختلف کشور با صنایع مختلف تعیین شود. بر این هزینه زندگی در هر منطقه با منطقه دیگر متفاوت است. هزینه زندگی در روستا به مراتب کمتر از هزینه زندگی در شهر است ولی شورای عالی کار اصرار به یکسان بودن دستمزد در شهر و روستا دارد که باعث کم شدن اشتغال در روستا و از بین بردن صنایع کوچک شده است... پیشنهاد می‌شود یک تبصره به ماده ۴۱ قانون کار الحاق شود که برای روستاییان این قانون مصوب شود که با دستمزد توافقی، از مفاد این ماده قانونی مستثنی شوند و نسبت

به دستمزد دریافتی از خدمات بیمه استفاده کنند». و اما متن طرح، افزودن تبصره‌ای به نام تبصره ۲ به ماده ۴۱ قانون کار با این متن: «کارفرمایان مشاغل ایجاد شده در روستاها با کمتر از ۱۰ نفر کارگر از شمول حداقل مزد موضوع تبصره یک این ماده مستثنی هستند. پرداخت مزد، حق بیمه و سایر مزایای متعلقه کارگران این مشاغل براساس قرار داد فی مابین بوده و صندوق تأمین اجتماعی متناسب با مبلغ دریافتی، ملزم به ارائه خدمات است.»

به کرسی نشاندن منویات موسسه خیریه اصفهانی با این حساب، نمایندگان مجلس به اسم دلسوزی برای روستاییان و فقدان اشتغال در روستاها، می‌خواهند الزام به پرداخت حداقل دستمزد کامل را در بخش وسیعی از مملکت که اتفاقاً جزو مناطق محروم هم هستند، از میان بردارند و مزد را به توافق میان کارگر (که اصولاً قدرتی برای چانه‌زنی و توافق ندارد) و کارفرما (که همه‌قدرت را در اختیار دارد) منوط کنند. به این ترتیب، کارگران روستایی باید با یک یا دومیلیون تومان حقوق ماهانه کار کنند وقتی حداقل دستمزد مثلاً ۴ یا پنج میلیون تومان است و خط فقر بالای ۱۰ میلیون تومان! امضا کنندگان حتی به روی خودشان هم نیاوردانند که همان ماده ۴۱ قانون کار، همین امروز بند

حبیبی: این خیانت را کارگران نمی‌بخشند. اگر طرح الحاق یک تبصره به ماده ۴۱ قانون کار را پس‌نگیرند و مختومه اعلام نکنند، کارگران نمی‌بخشند و ساکت نمی‌نشینند و با همه توان اعتراض خواهند کرد

دومی دارد که تأکید می‌کند در هیچ کجای کشور، مزد نباید کمتر از سبد معیشت حداقلی باشد. بند دوم ماده ۴۱ قانون کار به روشنی تمام تأکید دارد که دستمزد باید بتواند از پس هزینه‌های حداقلی یک خانوار متوسط بر بیاید. با این حساب، به نظر می‌رسد منویات موسسه خیریه نذر اشتغال اصفهانی بالاخره توسط نمایندگان مجلس، در دستور کار قرار گرفته است. نمایندگان مجلسی که ادعا می‌کردند آمده‌اند تا از حقوق محرومان و فردستان اجتماع دفاع کنند، و خود را انقلابی می‌نامیدند، حالا شمشیر را از رو بسته‌اند و طرح اصلاح قانون کار را با همان رویکردهای موسسه خیریه نذر اشتغال اصفهانی به امضا رسانده‌اند. جالب اینجاست که در آبان ماه که سالگرد تصویب قانون کار است، آنهایی که باید اصولاً ناظر بر اجرای

قانون باشند و از حرمت قوانین صیانت کنند، قصد دارند قانون کار را به نفع سودجویان و استثمارگرانی که در کمین آسیب‌پذیرترین بخش طبقه کارگر نشسته‌اند، تخریب کنند. قانون کار تنها سندی است که اثبات‌کننده حقوق حقه طبقه کارگر است و گرچه سال‌هاست این حقوق فقط روی کاغذ بر جای مانده و اجرا نشده، اما اصلاح آن به نفع سودجویان و دلال‌ها، بزرگ‌ترین خیانتی است که نمایندگان مجلس می‌توانند در حق جامعه کارگری کشور مرتکب شوند.

«حسین حبیبی» عضو هیأت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور از همین لفظ «خیانت» استفاده می‌کند و می‌گوید: از قول بن بنویسید این خیانت را کارگران نمی‌بخشند. اگر طرح الحاق یک تبصره به ماده ۴۱ قانون کار را پس‌نگیرند و مختومه اعلام نکنند، کارگران نمی‌بخشند و ساکت نمی‌نشینند و با همه توان اعتراض خواهند کرد. اجازه نمی‌دهیم، مهم‌ترین دستاورد تاریخی‌مان را تعدادی نماینده به تاراج ببرند.

حبیبی می‌گوید: کارگران به هیچ وجه اجازه نمی‌دهند نمایندگان مجلس این چنین عریان و بی‌پرده، حقوق قانونی آنها را زیر سوال ببرند. دهه‌هاست که با دادنامه ۱۷۹ دیوان عدالت، حق کارگران بر امنیت شغلی از دست رفته است. دیگر نمی‌گذاریم حق داشتن حداقل دستمزد را نیز لگدمال کنند. «حسان سهرابی» رئیس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان خراسان رضوی نیز در ارتباط با این طرح می‌گوید: نمایندگان مجلس و کلای ملت باید بدانند که برای همین کارگران و روستاییان، کرسی‌های پارلمان را به دست آورده‌اند. بسیار جای تأسف دارد که یک موسسه خیریه بانی این گونه طرح‌های ضد انسانی است که باعث دگرگونی بافت و فرهنگ روستاییان خواهد شد و از آن تانسانگیزتر اینکه نمایندگان مجلس چنین طرحی را توشیح می‌کنند. نمایندگان مجلس باید بدانند انقلاب شد تا نگاه سودجویی از فضای زندگی و کار مردم رخت بربندد و روستاییان درگیر خان‌هانشانند و نتوانند در استقلال و خودکفایی و شرافتمندانه زندگی کنند. این گونه طرح‌ها شیرازه

سهرابی: خبر به‌ها جای «خان‌ها و باب‌ها» ی سابق را گرفته‌اند. اثباتش هم سخت نیست چرا که وکلای ملت، دستان پینه‌بسته قالیبافان را نمی‌بینند و صرفاً سود کارفرمایان دیده می‌شود

خانواده‌های روستایی را از هم می‌پاشد. او اضافه می‌کند: نمایندگان قبل از امضای این گونه طرح‌ها، باید نظر تشکلهای کارگری را ببرسند و با نمایندگان کارگران مشورت کنند. امروز می‌بینیم که خبر به‌ها جای «خان‌ها و باب‌ها» را گرفته‌اند. اثباتش هم سخت نیست چرا که وکلای ملت، دستان پینه‌بسته قالیبافان را نمی‌بینند و صرفاً سود کارفرمایان دیده می‌شود. به گفته سهرابی، به استناد ماده ۱۶۷ قانون کار، صلاحیت ذاتی در مصوبات مزد و سایر موضوعات مربوط به دستمزد در اختیار شورای عالی کار است پس باید هر گونه بحث در ارتباط با حداقل دستمزد، در این شورای سه‌جانبه مطرح شود و نمایندگان مجلس اساساً صلاحیت پیگیری مسائل مزدی را ندارند.

سهرابی تأکید می‌کند: این گونه طرح‌های ضد کارگری، فقط مروج استثمار، برده‌داری، ارزان‌سازی نیروی کار و گسترش فقر و تبعیض است و ما به هیچ وجه انتظار نداشتیم مجلس به دنبال وجاهت بخشیدن به چنین برنامه‌هایی باشد.

کارگران بی‌پناه مانده‌اند

ارزان‌سازی نیروی کار و دشمنی با قانون کار، سال‌هاست که با قدرت دنبال می‌شود اما در این برهه زمانی، گویا این دشمنی و ستیز، با قدرت تمام به روی صحنه آمده و حامیانی در میان قدرتمندان پیدا کرده است. وزیر کار از اشتغال‌زایی بدون بیمه و گسترش مشاغل خانگی و اصلاح قانون کار می‌گوید و نمایندگان مجلس طرحی را امضا می‌کنند که ماده ۴۱ قانون کار را تغییر دهند (درواقع تخریب کنند) و مزد توافقی را قانونی کنند. در چنین فضای نگران‌کننده‌ای، به نظر می‌رسد کارگران مظلوم کشور، بیش از همیشه بی‌پناه مانده‌اند.

یک استاد دانشگاه مطرح کرد:

تشدیدی عدالتی در صورت واردات دارو با ارز آزاد

خوابگاه افزایش حقوق و مطالبات عقب‌مانده خود هستند. این اقتصاددان ادامه داد: بنابراین حالا این بودجه در اختیار سازمان بیمه‌گر است. مدیران باید بین گروه بی‌صدا و گروهی که خواهان حفظ حقوق خود در شرایط تورمی هستند دست به انتخاب بزنند. براساس منطق اقتصادی و مدیریتی چیزی که در عمل رخ می‌دهد تصمیم‌گیری به نفع گروه پرصدا و زیان گروه کم‌صدا خواهد بود. بنابراین پرداخت از جیب بیماران و بار سنگین زندگی برای نیازمندان بیشتر می‌شود.



به گفته مدیری، در لیبرال‌ترین نظام‌های اقتصادی هم دولت بر بخش دارو و درمان کنترل و نظارت دارد و مسئولیت آن را به بازار آزاد نداده است. این اقتصادشناسان دارند

که دولت باید کالا و پول را رصد کند. مثلاً واردات نهاده‌ها به نرخ وارد کشور شود باید قابل رصد باشد تا مالیات بر ارزش افزوده آن گرفته شود.

این استاد دانشگاه در پایان با بیان اینکه تحقق عدالت به حمایت بیرون از بدنه دولت نیاز دارد، گفت: نظام اداری ما استاد بهرم‌زدن مناسبات و سیاست‌های درست است. نباید گذاشت شود لایحه پیوست عدالت به سر نوشت پیوست محیط زیست تبدیل شود. جامعه نخبگان باید در اجرای صحیح این لایحه به دولت کمک کنند و از دولت بخواهند پیوست عدالت را در کلیه لایحه وارد کنند.

یک استاد دانشگاه اظهار داشت: در حال حاضر می‌توان به جز سیاست حذف ارز ترجیحی و ادامه آن، راه حل سومی افزود و آن اجرای فاکتور الکترونیکی است. در کشورهای دیگر این سیاست تحت عنوان مالیات بر ارزش افزوده مطرح شده و هیچ ارتباطی با نظام‌های کمونیستی ندارد. به گزارش ایلنا، احمدمیری در نشست «باز به پیوست

عدالت در سیاست‌گذاری عمومی، ابعاد و روش انجام» ادامه داد: در مورد ارز ترجیحی آنچه ما می‌بینیم این است که دولت برای تأمین دارو و کالاهای اساسی از این ارز استفاده می‌کند و اگر قرار است تغییری در نرخ ارز صورت بگیرد این تغییرات روی این دو دسته کالا خود را نشان می‌دهد.

مدیری با بیان اینکه اجرای عدالت نیازمند تکنیک و انضباط اداری است، گفت: ما در ایران به دنبال راه حل‌های آسان هستیم اما این راه حل‌ها هزینه‌های سنگین اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارند.

این استاد دانشگاه با اشاره به تشدید بی‌عدالتی با واردات دارو با ارز آزاد، گفت: فرض کنید به جای تخصیص ۳ میلیارد دلار برای واردات دارو معادل ریالی را به سازمان‌های مرتبط مانند تأمین اجتماعی بدهند. این سازمان‌ها با دو گروه روبه‌رو هستند؛ نخست بیماران که عموماً غیرمتشکل هستند و صدایشان کمتر به گوش مسئولان می‌رسد و دوم گروه متشکل یافته از کارمندان، پزشکان و پرستاران که

استاد اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی:

کارگران مالیات می‌دهند و ثروتمندان معاف هستند

بودند هنوز نیز باید معاف باشند. وی افزود: در حال حاضر نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی زیر ۱۰ درصد است در حالی که این نسبت در کشورهای همسایه ۱۵ درصد به بالاست. این نشان می‌دهد که ما چقدر در این قضیه کم‌کار هستیم. آنها هم معافیت دارند و بارانه می‌دهند اما به نسبت متعادل‌تری رسیدند اما ما در این زمینه وضعیت خوبی نداریم. استاد دانشگاه شهید بهشتی گفت: مطمئن باشید که اصلاح این وضعیت از پیاده‌سازی طرح سامانه سوخت سخت‌تر نیست اما نمی‌خواهند این اتفاق بیفتد.

بغیان گفت: تنها مزدبگیران دیوارشان کوتاه است و باید حتماً مالیات پرداخت کنند و در واقع بار سنگین درآمد مالیاتی بر دوش کارگران و کارمندان می‌افتد. این در حالی است که درآمدهای پایین است و کفاف هزینه‌های زندگی را نمی‌دهد.

در مقابل ثروتمندان روز به روز درآمدهای بیشتری می‌شود و همین درآمدها می‌رود در بازارهای موازی و ایجاد تورم در زمین و مسکن و خودرو می‌کند.

استاد دانشگاه شهید بهشتی در پایان گفت: دو وضعیت موجود به چشم کارگران می‌رود: کارگرانی که هم مالیات می‌دهند و هم حقوق کمی نسبت به نرخ تورم دریافت می‌کنند و در مقابل آنها کسانی هستند که در این وضعیت تورم، ارزش دارایی‌شان افزایش پیدا می‌کند و روز به روز بر ثروتشان افزوده می‌شود و مالیات هم نمی‌دهند.

استاد دانشگاه شهید بهشتی گفت: بار مالیاتی بر دوش کارگران و مزدبگیران گذاشته شده و در مقابل بار ثروتمندان سبک شده است چون مزدبگیران در تیررس دولت هستند و به‌طور منظم مالیات پرداخت می‌کنند.

به گزارش ایلنا، آلبرت بغیان گفت: طبق قوانین مالیاتی، حقوق مزدبگیران بعد از کسر مالیات پرداخت می‌شود. درواقع مزدبگیران در تیررس دولت هستند و به‌طور منظم مالیات پرداخت می‌کنند در حالی که مالیات صاحبان کسب و کارها معمولاً آخر سال محاسبه می‌شود. در خیلی از مواقع هم فرد بعد از اخطار مالیات خود را می‌پردازد.

یعنی عملاً بیش از یک سال طول می‌کشد که مالیات خود را بپردازد و باز نرسیده است که در این مدت از ارزش پول کم شده است. باید این گروه

را مجاب کرد که همان موقع که کارالاری فروشنده مالیات خود را بپردازد و ندوی گفت: بحث لزوم اصلاح سیستم مالیاتی کشور از خیلی وقت پیش مطرح شده اما معتقدم نمی‌خواهیم این کار را انجام بدهیم و راه‌های پشت‌انجام این کار وجود ندارد.

استاد دانشگاه شهید بهشتی گفت: در حال حاضر نظام مالیاتی ما به گونه‌ای است که ثروتمندان که باید بیشترین مالیات را بپردازند، معاف هستند. باید به قوانین مربوط به معافیت مالیاتی مراجعه کنیم و ببینیم چه کسانی و چه نهادها و گروه‌هایی و با چه توجیهی از مالیات معاف هستند. باید این قوانین را به‌روز کرد و دید آیا آنها که از مالیات معاف

